

زندگی، در حاشیه‌ی زندگی: تأثیر چگونگی گذران اوقات فراغت، در فرهنگ و زندگی شهری شهروندان

نیلوفر ساعی^{۱*}، مهدی سعدوندی^۲

۱- کارشناسی ارشد معماری- معماری . دانشگاه هنر اصفهان (saei.niloofer@yahoo.com)

۲- استادیار. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه هنر اصفهان (saedvandi@ac.ir)

چکیده

معماری از مهمترین مصادیق حکمت است. چرا که حکیم کسی است که به درمان دردها می‌پردازد، مسئله و مشکل را می‌یابد، علت آن را تشخیص می‌دهد و راه حل آن را ارائه می‌کند. به دنبال چنین اعتقادی و جستجوی حکمت در معماری، ضعف نشاط اجتماعی از عدم برنامه‌های مناسب اوقات فراغت شهروندان، که منشا بسیاری از معضلات اجتماعی است، نظرم را جلب کرد. مقاله حاضر در پی دست یافتن به اصول راهنما و رهنمودهای اجرایی، جهت استفاده مدیران و مسئولان متصدی به منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های صحیح و موثر می‌باشد. روش تحقیق کیفی است و از نوع تحلیل گفتمان می‌باشد. حتی تحقیق‌های اولیه نیز که با تکیه بر منابع و اسناد کتابخانه‌ای و موجود تهیه شده‌اند به گونه‌ای تحلیلی و مقایسه‌ای با آنها برخورد می‌شود و در نهایت به راهکارها و رهنمودهای مناسب می‌پردازیم. در پی آن با اشاره به هر یک از شاخص‌های تأثیرگذار در تعریف اوقات فراغت و اهمیت آن در زندگی شهری، به مثابه‌ی زمانی برای فرهنگ‌سازی تأکید گردیده و به رهنمودهایی در جهت چگونگی کیفیت گذران هنگام فراغت می‌رسیم.

کلمات کلیدی: اوقات فراغت، فرهنگ، زندگی شهری، سبک زندگی.

۱-مقدمه

یکی از عرصه‌هایی که زندگی روزمره را بازنمایی می‌کند و منعکس‌کننده فرهنگ جامعه بشمار می‌رود؛ عرصه فراغت است. فراغت عرصه‌ای است که اختیار و آزادی انسان‌ها در آن بیشتر قابل اعمال است، از این رو است که گفته‌اند فراغت می‌تواند فرهنگ ایجاد کند و هویت افراد را آشکار سازد. در فراغت است که انسان می‌تواند با آرامش خیال و روحی آرام و تهی از دغدغه‌های زندگی، ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری خویش را مرور کند، به توانایی‌ها و ناتوانی‌های ذهنی، اندیشه‌ای و کرداری خود پی برده و به اصلاح خویش همت گمارد.

خواجه بزرگوار شیراز، حافظ، فراغت را که پدیدآورنده‌ی آسودگی و آرامش جسم و جان است، موجب پرهیز از نادرستی و خطا در اندیشیدن می‌داند (ذکایی، محمدسعید ۱۳۹۳).

طیب عشق منم باده که این مجنون / فراغت آرد و اندیشه خطا برد

باید از نگاه مدرنیسم که فراغت را به معنای فارغ شدن از قیود و تعهدات خود نسبت به کار می‌داند تا حدی فاصله گرفت. در این دیدگاه، فراغت عملی است که منجر به راحتی و تجدیدقوا می‌شود که برخی از معمول‌ترین این فعالیت‌ها تماشای تلویزیون، ورزش و شرکت در فعالیت‌های خارج از منزل و گوش دادن به موسیقی است. این فعالیت‌ها همراه با آسایش ذهنی و جسمی است. این دیدگاه نتوانسته نیازهای معنوی انسان را پاسخ‌گو باشد، لذا فراغت باید از مفهوم دیگری بررسی شود. این به معنای انفعال در گذران زمان فراغت است. چنین است که رابطه کار/ فراغت به رابطه‌ی زحمت و اشتغال/ سرگرمی فرو کاسته شده است و از حوزه‌های عمل خلاق و خود- جویانه و خود- بیانگر و نیز خود- تعالی‌بخش تهی شده است (قاضی‌مرادی، حسن ۱۳۸۷).